

مقاله پژوهشی

بررسی پیامد جامعه‌شناسخی شبکه‌های اجتماعی بر هویت فرهنگی جوانان (دانشجویان
دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران مرکز)

معصومه اسماعیلی^۱؛ مجید رادفر^۲؛ علی باصری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۴

چکیده

ظهور شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک فضای نوین، جذاب و فرآگیر، ابعاد و ساختار جامعه را دگرگون ساخته است؛ درنتیجه هویت‌های پیشین را متتحول و به خلق هویت‌های جدیدی دامن زده است. این دگرگونی‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم زندگی جوانان را تحت تأثیر قرار داده‌اند. مقاله‌ی حاضر بر آن است که شبکه‌های اجتماعی با هویت فرهنگی جوانان و خانواده‌های آنان دارای رابطه‌ی متقابل است. بدین منظور بر مبنای چارچوب‌های نظری هویت و رسانه‌ها و روش تحقیق نظریه‌ی داده‌بنیاد، به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت فرهنگی جوانان پرداخته است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، دانشجویان دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد تهران مرکز می‌باشد. نتایج این پژوهش بر اساس ۵۲ مفهوم و ۵ مقوله‌ی به‌دست‌آمده نشان داد که شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک رشتہ از فرآیندهای محرکه‌ای هستند که به‌طور اساسی، نظم اجتماعی، فرهنگی، هویت، روابط افراد، خانواده‌ها را دگرگون و پدیده‌هایی همچون فردگرایی، کاهش اقتدار والدین، ازخودبیگانگی، اضطراب در حال گسترش هستند.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

m.esmaeili4@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، رودهن، ایران.

Majid.Radfar@iau.ac.ir

^۳ استادیار گروه مردم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

baseridon@yahoo.com

واژه‌های کلیدی: شبکه‌های اجتماعی، هویت فرهنگی؛ جوانان؛ خانواده.

مقدمه و طرح مسأله

جهان در چند دهه‌ی گذشته شاهد دگرگونی‌های وسیع و تا حد زیادی منحصر به فرد در عرصه‌ی ارزشی، فرهنگی و هویتی بوده است. این دگرگونی‌ها بر بخش‌ها و ساختارها و گروه‌های اجتماعی تأثیراتی بر جای گذاشته است. از جمله پدیده‌های جدید که در سال‌های اخیر شکل گرفته و به سرعت در حال گسترش است. فناوری‌های نوین ارتباطی به خصوص شبکه‌های اجتماعی است. به گونه‌ای سطوح خرد و کلان و ترتیبات جامعه را در عصر حاضر دستخوش تغییر قرار داده و موجب شده تا تمامی گروه‌های اجتماعی به طور مستقیم یا غیر مستقیم و باشد و ضعف متفاوت، با تغییرات آن روبه‌رو می‌شوند. این فرآیند موجب نزدیک شدن بسیار زیاد فرهنگ‌ها و جوامع به یکدیگر و ارتباطات لحظه‌ای بین آن‌ها شده است. بر این اساس تعاملات در عرصه‌های مختلف اجتماع بین جوامع گوناگون شرایط جدیدی را پیش روی آن‌ها قرار داده است. در این میان، جوانان از این تحول دور نمانده‌اند. به باور گیدنزن^۱، سرعت فناوری‌های نوین در روزگار ما آنچنان اهمیت یافته که اگر در فهم آن توفيق نیابیم و بر بحث درباره آن تسلط نداشته باشیم، نمی‌توانیم دانشور پدیده‌های پیچیده‌ی اجتماعی باشیم (گیدنزن، ۱۳۷۹: ۲۶-۲۷).

بنابراین، آن‌چه در حال حاضر وجود شبکه‌های اجتماعی را پر اهمیت و تأثیر آن‌ها را پررنگ تر جلوه می‌دهد، استقبال عمومی کاربران اینترنت به خصوص جوانان به این شبکه‌ها می‌باشد. به‌طوری‌که روزانه میلیون‌ها نفر در دنیا با عضویت در این شبکه‌ها ساعت‌های متمادی از عمرشان را صرف گشت و گذار در شبکه‌های اجتماعی می‌کنند (افراسیابی، ۱۳۹۲: ۱۵). این حجم از اطلاعات، موجب انتقال ارزش‌ها، هنجارها و اطلاعات فراوان به اقصا نقاط جهان شده‌اند. تامپسون معتقد است که رسانه‌های جمعی، انتقال و هدایت دامنه‌ی گستره‌های از نمادها، هنجارها، ارزش‌ها و عقاید درون جوامع را به عهده گرفته‌اند؛ تا آن‌جاکه برخی اندیشمندان بر این اعتقادند که رسانه‌ها کل زندگی فرهنگی و اجتماعی را دگرگون می‌کند (تامپسون، ۱۳۹۳: ۶۳).

^۱ Giddens

^۲ Thompson

یکی از اصلی‌ترین مصرف‌کنندگان این شبکه‌های مجازی، جوانان هستند و استفاده‌ی روزافزون از شبکه‌های اجتماعی، باعث ورود حجم وسیعی از اطلاعات و برنامه‌های برونو مرزی به فضای فکری جوامع شده که با آمدن این شبکه‌ها اجتماعاتی مجازی نیز تشکیل می‌شود که هر فردی به راحتی بتواند در تولید محتوا سهیم باشد. درواقع در اجتماعات مجازی معمولاً جوانان حداقل در یک چیز اشتراک دارند و آن علائق و منافعی است که آن‌ها را گرد یکدیگر می‌آورد. با گسترش دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مجازی و استفاده‌ی فرآیندهای که جوانان از انواع مطالب و محتوای این رسانه‌ها دارند، تغییر فرهنگی بدل به یکی از دغدغه‌های اصلی تأثیرگذار بر انسجام اجتماعی و یکپارچگی ملی که از جمله ارکان و زیربنای هویت جامعه محسوب می‌شوند، شده است.

این شبکه‌های اجتماعی یک رشته از فرآیندهای نیرومندی هستند که فرصت‌ها و تهدیداتی را به همراه داشته و نیروی محرکه‌ی بسیار مهمی هستند که به‌طور اساسی، نظام اجتماعی در جامعه را تغییر و یا بازسازی می‌کنند. در مرکز این تغییرات، خانواده‌ها قرار دارند. جوانان به عنوان اعضای خانواده در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. در حال حاضر، مفاهیم سنتی درباره‌ی زندگی خانوادگی، کار، روابط افراد، ارتباط گروه‌ها با یکدیگر، نقش‌های مختلف جوانان در خانواده و اجتماع و هنجارهای جنسیتی و شکل‌گیری هویت به دلیل رشد و گسترش ارتباطات، دگرگون شده است. به اعتقاد گیدنژ، جهان مدرن متاخر^۱، به شدت بازتابی است. اطلاعات فراوان مبادله و بازتاب این اطلاعات در زندگی، سبک زندگی الگوهای رفتاری افراد را شکل می‌دهد (گیدنژ، ۱۳۷۸: ۶۲).

پژوهش حاضر نتیجه‌ی این باور است که وسائل ارتباط جمعی در زندگی اجتماعی امروز به قدری مهم است که فرآیند جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری و فرهنگ‌یابی تحت نظرات آن‌ها شکل می‌گیرد و بر این مبنای شخصیت اساسی افراد جامعه بارور گردیده و سامان می‌یابد و اینکه کمتر این رابطه در سایر تحقیقات مورد توجه قرار گرفته است. درحالی که جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. بنابراین محقق بر مبنای چارچوبی نظری و با تکیه بر منابع و اطلاعات موجود و نتایج یافته‌های علمی پژوهش‌گران مختلف، دگرگونی ساختاری درون

^۱ Late modern world

خانواده و آثار آن را بر جوانان که از موضوعات مهم این پژوهش محسوب شده، مورد مطالعه قرار داده و همین‌طور به این سؤال مهم بر اساس نظریه‌ی کاشت بپردازد که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به لحاظ هویتی تا چه اندازه بر مخاطبان خود (جوانان) تأثیر می‌گذارند؟ آثار استفاده از این فناوری‌ها بر رفتارهای فردی و اجتماعی جوانان به چه میزان است؟

پیشینه‌ی پژوهش

در رابطه با پیشینه‌ی تحقیق می‌توان گفت که هیچ منبعی با عنوان دقیق مقاله که به شکل دقیق و همه‌جانبه‌ای به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت فرهنگی جوانان پرداخته باشد، نبوده و یا محقق نتوانسته بدان‌ها دست یابد. با وجود این، از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص هویت و سبک زندگی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آنتونی الیوت (تحقیقی با نام «من می‌خواهم که به نظر بیایم» در ارتباط با جراحی زیبایی و فرهنگ^۲) نگاشته که در این مقاله به طور انتقادی قدرت رسانه‌ها را در جهت ظهور جراحی زیبایی با تکیه بر تئوری‌های اجتماعی و مطالعات روان‌کاوی مورد بررسی قرار دهد. با ترسیم مفهوم هورتون و وول آز "تعامل پارا اجتماعی" و همچنین ایده‌ی تامپسون در مورد "صمیمیت از راه دور"، نتایج نشان داد که یک رویکرد فرهنگی توسط رسانه‌ها در جریان است که اندام افراد مشهور (سلبریتی‌ها) چگونه به عنوان الگوهای تقلید و تمایل شباهت با آنان ایجاد می‌شود. در نتیجه‌ی این رویکرد سطح استرس و اضطراب را در کاربران افزایش می‌دهد.

جان ویلسون^۳ در سال ۲۰۱۳ تحقیقی را با هدف بررسی رسانه‌های جمعی و رابطه‌ی آن بر هویت فرهنگی را آغاز و در جست‌وجوی شناخت هویت فرهنگی جامعه بر پایه‌ی نژاد، ملت، با توجه به یافته‌ها، حاکی از آن است که اهمیت استفاده از نمادهای مفهومی با توجه به ملت، درک درستی از فرهنگ را ارائه داده و در نتیجه با دسترسی به اطلاعات و تاریخ فرهنگ قومی خود علاوه بر حفظ هویت فرهنگی خود، انسجام اجتماعی جامعه نیز افزایش می‌یابد.

روبی و وانگ^۴ در تحقیقی با عنوان روابط اجتماعی کاربران در شبکه‌های اجتماعی، به مطالعه تأثیر ریشه‌های فرهنگی و مکان‌های جغرافیایی متفاوت، بر فراهم آوردن انطباق بین

^۱ Anthony Elliott

^۲ Horton and Wool

^۳ John Wilson

^۴ Rui and Wang

فرهنگی دانشجویان پرداخته‌اند. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، دانشجویان بین‌الملل یک کالج در شمال شرق آمریکا بوده است. نتایج نشان می‌دهد که اکثر دانشجویان به دلیل غنای رسانه‌ای فیسبوک نسبت به اینستاگرام و تلگرام تمایل بیشتری به استفاده از آن داشته و برای دسترسی به تعاملات اجتماعی و فرهنگی از طریق انطباق با فرهنگ غالب در پی همگن سازی فرهنگی هستند. جینگ یانگ^۱ تا در سال ۲۰۱۵ در تحقیقی تحت عنوان «جمع‌گرایی^۲-فردگرایی^۳ و شبکه‌های اجتماعی (فیسبوک) به این نتیجه دست یافتند که کاربران با فرهنگ‌های فردی خود نسبت به فرهنگ‌های گروهی، بیشتر از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. نتایج به دست آمده مطابق آنالیزهای دو فرهنگی و چندفرهنگی در ۴۹ کشور بوده و محقق نتیجه گرفت که فرهنگ‌های فردی و گروهی در قبال استفاده از شبکه‌های اجتماعی متفاوت عمل کرده و فرهنگ و هویت فردی تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی قرار دارد. به عبارتی با افزایش میزان فردگرایی از طریق شبکه‌ی فیسبوک، هویت اجتماعی افراد نیز تضعیف می‌گردد.

تحقیقی با عنوان «چگونه شبکه‌های اجتماعی هویت ما را تغییر می‌دهد؟» توسط نائوسیکار رنه^۴ در سال (۲۰۱۹) انجام شد. روش انجام پژوهش پیمایشی و جامعه‌ی آماری آن دانشجویان بودند. تحقیقات نشان دادند که شبکه‌های اجتماعی دو اثر مثبت که باعث تقویت هویت افراد و از سوی دیگر تضعیف‌کننده‌ی هویت فرهنگی از جمله فرهنگ اقوام، مذهب، گستالت خانواده‌های ساکن نیویورک داشته است.

پژوهشی دیگر از عبدالوهاب ندیمی سال (۱۳۹۵) با هدف بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت دانشآموzan دختر دوره‌ی متوجهه منطقه‌ی ۴ تهران انجام شده است. تأثیرپذیری هویت در این تحقیق از چهار منظر قومی، دینی، ملی و جهانی مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان داد که استفاده‌ی بیش از حد و گذراندن وقت در شبکه‌های اجتماعی تأثیرات منفی بر هویت دانشآموzan داشته و آن‌ها بیشتر دچار بحران هویت می‌شوند.

تحقیقی با عنوان شبکه‌های اجتماعی مجازی و هویت فرهنگی: مطالعه‌ای در میان دانشجویان دانشگاه گیلان توسط عاطفه عظیمی در سال ۱۳۹۵ انجام شده است. نتایجی که پژوهش‌گر ذکر

^۱. Jing Yang

^۲ individualism

^۳. collectivism

^۴ Nausicaa Renner

کرده فرهنگ رسانه‌ها از جمله شبکه‌های اجتماعی مجازی پیوسته در حال تضعیف و بی‌ثبات کردن انواع هویت‌ها هستند. به طوری‌که با افزایش حضور در فضای مجازی، هویت‌های فرهنگی، دینی، ملی و قومی تضعیف و هویت جهانی تضعیف می‌گردد. همچنین شبکه‌های اجتماعی مجازی، باعث تغییرات اساسی در نهادهای هویتساز شده‌اند و عوامل معناساز هویتی را دستخوش تغییر نموده‌اند و موجب شده‌اند که جوانان به سمت جهانی‌شدنی که مورد نظر جوامع سرمایه‌داری و امپریالیستی است نزدیک شده و از فرهنگ ایرانی اسلامی خود دور شوند. در نتیجه بر عملکرد اجتماعی آنان نیز تأثیر منفی می‌گذارد.

تحقیقی توسط علی هیودی با عنوان «شبکه‌های اجتماعی مجازی؛ جهان وطنی یا بحران هویت (مورد مطالعه جوانان ۱۳۹۶-۱۸۳۵ سال شهر دزفول) در سال ۱۳۹۶ انجام شده است. بعد از جمع‌آوری داده‌هاو تجزیه و تحلیل آن‌ها نتایج تحقیق بیان می‌کند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی میل به جهان وطنی و پذیرش الگوهای شاخص‌های حاکم بر نظام جهانی را در جوانان افزایش می‌دهد و به نوعی اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی پیدا کرده؛ به گونه‌ای که عدم ارتباط با شبکه‌ها آنان را پرخاش‌گر می‌نماید. در واقع پاسخ‌گویان این مطالعه اعتقاد دارند که شبکه‌های اجتماعی مجازی در حد متوسط به بالا بحران هویت را در جامعه تشید می‌کنند.

تحقیقی با عنوان «پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت با توجه به خودانضباطی و سطوح آن» توسط زهره زارع (۱۳۹۶) انجام شد که پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت با توجه به خودانضباطی و سطوح آن و نوع آن توصیفی - همبستگی بود. نتایج تحلیل رگرسیون تک متغیره و چندگانه نشان داد که بی‌انضباطی و عدم نظم و برنامه‌ریزی در زندگی نتیجه‌ی مفهی اعتیاد به اینترنت است. تحقیقی با عنوان رابطه بین احساس تنهایی و هراس اجتماعی با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (۱۳۹۷) توسط رضا محمدی انجام شد . آزمودنی‌ها به ۳ پرسشنامه‌ی، اعتیاد به اینترنت (یانگ)، احساس تنهایی (راسل) و هراس اجتماعی (کانور) پاسخ دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بین احساس تنهایی و هراس اجتماعی با اعتیاد به اینترنت رابطه‌ی مثبت معنادار وجود دارد، همچنین متغیرهای احساس تنهایی و هراس اجتماعی توانایی پیش‌بینی گرایش به اعتیاد به اینترنت را دارند. تحقیقی با موضوع «بررسی تأثیر اعتیاد به اینترنت بر سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهرستان شاهرود» (۱۳۹۷) توسط رزیتا قنبری (رشته‌ی پزشکی عمومی) انجام شد. اعتیاد به اینترنت به معنای استفاده‌ی بیش از حد یا نامعقول و بیمارگونه از اینترنت است که یافته‌های پژوهش‌های مختلف حاکی از رابطه‌ی بین اعتیاد به

ایترنوت و سلامت جسمی و روانی هستند. با توجه به این که میزان بروز و شیوع اعتیاد به ایترنوت در گروه سنی نوجوانان و جوانان در حال افزایش است. روش مطالعه: پژوهش حاضر از نوع توصیفی و از نظر نوع بررسی همبستگی می‌باشد. با استفاده از جدول کرجسی و مورگان^۱، ابتدا ۳۶۱ نفر از دانش‌آموزان شهرستان شاهرود به صورت تصادفی انتخاب شدند. از دو پرسشنامه‌ی سنجش سلامت عمومی (GHQ-28) و اعتیاد به ایترنوت یانگ جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده گردید. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد، در کاربران معتاد به رسانه‌های جمعی و ایترنوت، بین نمرات اعتیاد به ایترنوت با نمرات پرسشنامه‌ی سلامت عمومی در تمامی مؤلفه‌های آن (مقیاس-های علائم جسمانی، علائم اضطرابی و اختلال خواب، علائم اختلال کارکرد اجتماعی) رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.

مباحث مریبوط به پیشینه‌ی پژوهش، نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌های صورت‌گرفته، فقط به بررسی سبک زندگی و هویت اجتماعی پرداخته‌اند و تقریباً پژوهش مهمی در زمینه‌ی تأثیر شبکه-های اجتماعی بر هویت فرهنگی با رویکرد نظریه‌ی داده‌بنیاد (گراندئتوری) صورت نگرفته است. همچنین در این پژوهش سعی شده تا علاوه بر به کارگیری مباحث مهم و مورد مطالعه و با تأکید بر جنبه‌های کاربردی آن‌ها به درک صحیح و کارآمدتری دست یافته و به واسطه‌ی آن گامی مهم در جهت حل مسایل و مشکلات جامعه برداشت.

مبانی نظری پژوهش

یکی از پرسش‌های اساسی تئوری رسانه‌ها این است که رسانه‌ها چه تأثیری دارند؟ قدرت رسانه‌ها از زمان تولد وسایل ارتباط جمعی مایه‌ی نگرانی جامعه بوده است. تولد هر رسانه‌ی ارتباطی جدید با ترس و نگرانی از قدرت مخرب آن بر مخاطبان همراه بوده است. رسانه‌ها بخش غیر قابل تفکیک و همواره حاضر در زندگی روزمره‌ی جامعه هستند. بنابراین می‌توان سه نوع نظریه را در ارتباط با رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی مورد بحث قرار داد.

تئوری‌های رسانه‌محور

تئوری تأثیر مستقیم^۲

¹. Krejcie & Morgan

² Direct Impact Theory

اولین تئوری در مورد تأثیر رسانه‌ها، تئوری تأثیر مستقیم است که آن را تئوری گلوله جادویی نامیدند. این تئوری به طور خلاصه گویای آن است که پیام‌های رسانه‌ای به طور یکسان و یکنواخت به همه‌ی مخاطبان می‌رسد و تأثیری مستقیم و آنی بر جای می‌گذارد. در این تئوری مخاطبان دریافت‌کنندگان منفعل پیام‌های رسانه‌ای هستند و در تحلیل و تفسیر آن نقشی نداشته و یا بسیار اندک و ناچیز است. برخی از محققان به ویژه محققانی که در عرصه‌ی یادگیری فعالیت می‌کنند، بر این عقیده هستند که انسان‌ها می‌توانند از خلال مشاهده‌ی رفتار دیگران، رفتارهای جدیدی از سه طریق بیاموزند؛ یادگیری از خلال تجربه‌ی شخصی، یادگیری از طریق آشنایی متقابل با افراد دیگر و یادگیری از رسانه‌ها است... بحث در مورد تأثیر رسانه‌های جهانی حول محور هویت فرهنگی، ملی و فردی دور می‌زند. هرکسی نیاز دارد بداند چه کسی است و به کجا تعلق دارد. هویت به یک عنصر مهم و اساسی در تعریف اینکه ما که هستیم بدل شده است. رسانه‌های جهانی ارزش‌ها و باورهای جوامع را تهدید می‌کنند و در خیلی از موقع به کم‌رنگ شدن هویت و فرهنگ محلی^۱ می‌انجامد (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۹۵-۱۹۶).

تئوری کاشت

نظریه‌ی کاشت یکی از اشکال اثر رسانه‌ها در سطح شناختی بوده و مربوط به این موضوع است که قرارگرفتن در معرض رسانه‌ها تا چه حد می‌تواند به باورها و تلقی مخاطبان شکل دهد؟ نظریه‌ی کاشت با اشاعه برای ارائه‌ی الگویی از تحلیل، تبیین شده است؛ تا نشان‌دهنده‌ی تأثیر بلندمدت رسانه‌هایی باشد که اساساً در سطح برداشت اجتماعی، عمل می‌کنند. گربنر^۲ عقیده دارد که رسانه‌ها به لحاظ عمق و نفوذ قابل ملاحظه‌اش نیروی فرهنگی قدرتمندی است.

از نظر گربنر^۳ رسانه‌ها متمایل به ارائه‌ی دیدگاه‌های هم‌شکل و کم‌ویش یکسان از واقعیت هستند و مخاطبان آن‌ها، بر اساس این چنین مکائیسمی فرهنگ‌پذیر می‌شوند (لطیفی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۶۴). به این صورت که ساعت‌های متمادی مواجهه با رسانه‌ای خاص باعث ایجاد تغییر نگرش و دیدگاه‌های موافق با محتوای رسانه می‌شود (عباسی قادی و خلیلی کاشانی، ۱۳۹۰: ۸۱). درواقع نظریه‌ی کاشت یکی از اشکال اثر رسانه‌ها در سطح شناختی بوده و مربوط به این موضوع است که قرارگرفتن در معرض رسانه‌ها، تا چه حد می‌تواند به باورها و تلقی عووم از واقعیت خارجی

¹ Local culture

² planting theory

³. gerbner

شكل دهد؟ نظریه‌ی کاشت با اشاعه برای ارائه‌ی الگویی از تحلیل، تبیین شده است تا نشان‌دهنده‌ی تأثیر بلندمدت رسانه‌هایی باشد که اساساً در سطح برداشت اجتماعی عمل می‌کنند (احمدزاده کرمانی، ۱۳۹۰: ۳۳۶). وود^۱ معتقد است نظریه‌ی کاشت به فرآیند انباشتی و متراکمی اشاره دارد که به وسیله‌ی آن، رسانه‌ها اعتقادات و باورها را درباره‌ی واقعیت اجتماعی پرورش می‌دهد (وود، ۲۰۰۰: ۷۹). گربنر معتقد است که وسائل ارتباط جمعی گرایش‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه را تبلیغ و ترویج و با یکسان‌کردن گرایش‌ها و ارزش‌های افراد جامعه آن‌ها را به هم پیوند می‌دهند (چاندلر، ۱۹۹۵: ۲). پژوهش‌گران کاشت به منظور ارائه‌ی دیدگاه خود درباره‌ی رسانه‌ها به عنوان یک رسانه‌ی تأثیرگذار فرهنگی به فرآیندی چهار مرحله‌ای اشاره می‌کنند : ۱ - تحلیل نظام پیام. ۲ - تدوین پرسش‌هایی درباره‌ی کم و کیف واقعیت‌های اجتماعی از دید بینندگان. ۳ - مطالعه‌ی مخاطب به منظور بررسی میزان تماسای برنامه‌ها و استفاده‌ی آنان از این برنامه‌ها. ۴ - مقایسه‌ی مفهوم‌سازی بینندگان پرصرف و کم‌صرف از واقعیت‌های اجتماعی^۲ (بریانت و دیویس، ۲۰۰۰: ۹۱).

مورگان و سیگنوریلی^۳ معتقدند: فرآیند کاشت به عنوان جریان یک‌سویه‌ی تأثیر رسانه‌ها بر مخاطبان نیست ، بلکه بخشی از یک فرآیند تعامل در حال جریان، پویا و مستمر بین پیام‌ها و بافت‌ها فرض می‌شود (مورگان و سیگنوریلی، ۱۹۹۰: ۱۲۴). به باور سورین و تانکارد^۴، امروزه این دیدگاه که رسانه‌ها نقش مهمی در جامعه‌پذیری اولیه‌ی کودکان و همین‌طور جامعه‌پذیری درازمدت بزرگ‌سالان دارند، به طور گسترده مورد قبول قرارگرفته است. از مهم‌ترین کارکرد رسانه‌ها انتقال فرهنگ است. رسانه‌ها با نمایش و عرضه‌ی جامعه‌ای که فرد می‌تواند خود را با آن هم‌هویت ساخته، این امکان را برای فرد می‌تواند میسر سازد تا به منظور کاهش احساس بیگانگی^۵ یا احساس بی‌ریشه بودنش فائق آید (خواجه نوری، ۱۳۹۷: ۱۲۶).

نظریه‌ی برجسته‌سازی^۶

^۱. wood

^۲. Social reality

^۳. Morgan and Signorilli

^۴. Surin and Tankard

^۵ Alienation

^۶ Highlighting theory

نظریه‌ی برجستگی، رویکرد دیگری است که توسط روکیج و دیفلور^۱ برای ترکیب الگوهای آثار محدود و آثار قدرتمند ارائه گردید. روکیج و دیفلور در این مدل، میزان ثبات ساختاری نظام اجتماعی، کم و کیف رسانه‌ها، میزان وابستگی متقابل در نظر گرفته و آثار شناختی، عاطفی و رفتاری را نتیجه‌ی تعامل توأم‌انه‌ها معرفی کرده‌اند (سوزین و تانکارد، ۱۳۸۴: ۴۱۲-۴۱۳). منظور از برجسته‌سازی رسانه‌ها این است که رسانه‌ها، به‌ویژه در اخبار و گزارش‌های خبری و برنامه‌های مستند، این قدرت را دارند که توجه عموم را به مجموعه‌ای از مسائل و موضوعات معین و محدود معطوف سازند و از مسائل و موضوعات دیگر چشم‌پوشی کنند. حاصل کار این می‌شود که بعضی از مسائل خاص توسط بسیاری از مردم در سپهر عمومی و خارج از قلمروی رسانه‌ها به بحث گذاشته می‌شود. درحالی‌که به مسائل و موضوعات دیگر توجه نمی‌شود (سولیوان و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۶).

مک‌لوهان ^۲ معتقد است که رسانه پیام است. به نظر وی مهم‌ترین اثر رسانه‌ها این است که بر عادات و درک و تفکر ما اثر می‌گذارند. فیلم، تلویزیون و کامپیوتر با دستکاری محتوا و فرآیندهای تجربه‌ی ارتباطی، بر درک و فهم مخاطب از واقعیت اثر می‌گذارند و نوعی تجربه‌ی مصنوعی می‌آفرینند. بعضی از این فنون برای خلق تجربه‌ی مصنوعی عبارت‌اند از: تغییر سرعت حرکت، نمایش مجدد، پرس آنی از یک صحنه به صحنه‌ی دیگر، گلچین بخش‌هایی از رویداد، کنارهم-گذاشتن رویدادهای به لحاظ زمانی و یا مکانی مجزا و ترکیب و جابه‌جایی انگاره‌های بصری. مواجهه‌ی زیاد با این نوع تجربه‌ی مصنوعی می‌تواند آثاری به همراه داشته باشد و موجب نگرانی کلیت جهانی‌بینی فرهنگی گردد (سوزین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۳۹۳).

رویکردهای نظری هویت

هویت^۳ از موضوعات و مسایلی است که در طول دوره‌ی طرح نظریه‌های جدید جامعه‌شناسی مورد توجه بوده است و حجم انبوی از نظریه‌های جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی پیرامون آن طرح، تولید و توسعه یافته است. در میان نظریه‌پردازان معاصر جامعه‌شناسی بیش از همه آنتونی گیدنر بر کارکرد هویت تأکید می‌کند. به اعتقاد گیدنر در زندگی اجتماعی مدرن، مقوله‌ی سبک

¹ Rocage and Diflor

² McLuhan

³ identity

زندگی اهمیت خاصی دارد. سنت بیشتر معنای خود را از دست می‌دهد و زندگی روزانه بیشتر بر اساس بازی دیالکتیکی میان امر محلی و امر جهانی شکل می‌گیرد و بیشتر افراد مجبور می‌شوند تا از میان مجموعه‌ی انتخاب‌ها، چیزهایی را گزینش کنند (گیدنر، ۱۳۷۸:۸۸). در تعبیری که وی از دگرگونی اجتماعی دارد، سبک‌های زندگی از نشانه‌های مهم روابط در حال تغییر فردیت و اجتماع به شمار می‌روند (ذکایی به نقل از ذوالفقاری و سلطانی، ۱۳۸۹: ۲۸). لذا در دنیای مدرن، هویت شخصی و اجتماعی به طرزی متباین با ارتباطات شخصی - اجتماعی جوامع سنتی‌تر مسأله‌زا می‌گردد. در دوره‌ی مدرن، هویت فردی و اجتماعی در سایه‌ی توسعه‌ی وسایل ارتباط جمعی به طرحی تبدیل می‌شود که باید توسط خود فرد به صورت بازنده‌یانه ایجاد و ساخته شود. رسانه‌ها درک فرد از روابطش را تغییر می‌دهند (گیدنر، ۱۳۸۸: ۶۲). بنابراین در نزد گیدنر هویت بر ساخته‌ی عصر جدید و زاده‌ی تجدد و نهادهای امروزین است. به نظر وی هویت شخصی نوعی خصیصه‌ی متمایز یا حتی مجموعه‌ای از خصیصه‌های متمایز نیست که در اختیار فرد قرار گرفته باشد. هویت شخصی در حقیقت همان خود است که شخص آن را بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌داند. هویت در اینجا به معنای تداوم فرد در زمان و مکان است. درواقع هویت شخصی چیزی نیست که درنتیجه‌ی تداوم کش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش حفاظت و پشتیبانی قرار دهد (همان: ۸۱). بنابراین هویت جمعی (هویت اجتماعی و فرهنگی) هم به مانند هویت شخصی در روند ساخت‌یابی و با توجه به موقعیت‌ها، شرایط، اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی و نیز خودآگاهی شکل می‌گیرد و همین آگاهی بر خود و هویت شخصی زمینه‌ی بروز هویت جمعی است. در نتیجه بین خودآگاهی فردی و هویت شخصی با هویت اجتماعی و فرهنگی ارتباط وجود دارد (همان: ۸۳).

نظریه‌ی هویت اجتماعی جنکینز

جنکینز هویت را محصول فرآیندی مستمر میان خود و دیگری می‌داند و معتقد است این دیالکتیک درونی - بیرونی بدین معناست که در شکل‌گیری هویت علاوه بر شناخت فرد از خود، میزان پذیرش این شناخت از سوی دیگران نیز به اندازه‌ی خود این شناخت ضروری است. بدین ترتیب فرد در عرصه‌ی مواجهه و روبارویی با دیگران به لحاظ برخورداری از شباهت یا تفاوت با آنان، نسبت به هویت خاص خود واکنش نشان می‌دهد و به‌طور دائم در رفت و برگشت‌های مکرر به تولید و بازتولید آن می‌پردازد. بنابراین هر "خود" منفرد مرکز تجسم‌یافته‌ی سپهر اجتماعی از

خود و دیگران است؛ کانون آمد و شدهای درونی - بیرونی و داده - ستاندهای تبادلی که برخی از آن‌ها در خود حک می‌شوند و برخی نیز نمی‌شوند (عباسی قادی و خلیلی کاشانی، ۱۳۹۰: ۴۶). هرچند محققان بر سر منابع هویت‌بخش اجماع ندارند، ولی دست کم در این مورد اتفاق نظر دارند که با بسط فرآیند مدرنیته اضمحلال و تحلیل رفته تا حدی که قدرت استیلای خود را بر معناده‌ی به هویت کنش‌گران از دست می‌دهد (زلفعلی فام و ابراهیم پور، ۱۳۸۷: ۱۸۳).

مدیریت تأثیرگذار^۱ گافمن

مضمون مهم در اثر گافمن، هویت است. افراد درون نظم تعاملی در مورد هویت‌های خود مذاکره می‌کنند. آن‌ها با فعال‌سازی توانش‌های تعاملی در روال‌های عادی موقعیتی (چهارچوب-بندی شده) تصویری از خود (از خویشتن) را برای پذیرش دیگران ارائه می‌دهند. به عقیده‌ی من، این وجهه درونی دیالکتیک تعیین هویت با توجه به تصویر عمومی است. وجه بیرونی، پذیرش این ارائه توسط دیگران است؛ آن‌ها می‌توانند آن را پذیرند یا نپذیرند. تعیین هویت فردی در روابط جاری میان تصویر از خود و تصویر عمومی ظهور می‌کند. در این‌جا مسأله‌ی هنرهای مدیریت تأثیر مطرح است: توانش‌های تعاملی که هویت‌های خاصی را برای دیگران می‌فرستد و تلاش می-کند میزان پذیرش آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

این‌ها شامل سبک و توانایی نمایشی، آرمان‌گرایی^۲، کترل معنادار^۳، معرفی غلط و سردرگمی است. بیشتر آن‌ها حاصل جامعه‌پذیری اولیه‌اند و در ارتباط جسمانی غیر کلامی به علاوه‌ی زبان به صورت عادی در می‌آیند و اینکه چگونه افراد تفاوت میان "هویت اجتماعی مجازی"^۴ و "هویت اجتماعی واقعی"^۵ خود را مدیریت می‌کنند؛ اولی به ظاهر آن‌ها برای دیگران در تعامل مربوط می-شود و دومی به آن چیزی برمی‌گردد که در نگاه دقیق‌تر معلوم می‌شود آن‌ها را دارا هستند (جنکینز، ۱۳۹۶: ۱۱۳، ۱۱۴ و ۱۱۶).

تئوری برچسب‌زنی^۶

¹ Effective management

² Idealism

³ meaningful control

⁴ Virtual social identity

⁵ True social identity

⁶ Labeling theory

گافمن معتقد است که افرادی که هویت واقعی بدنام دارند، می‌خواهند از لحاظ مجازی نرمال باشند؛ ننگ عبارت است از فاصله‌ی میان واقعی و مجازی و شرمندگی‌ای که درنتیجه‌ی کشف آن توسط دیگران حاصل می‌شود و مهم‌تر اینکه مهارت‌های مدیریت اطلاعات لازم برای کنترل این که چه کسی و تا چه حدی از این بدنامی اطلاع دارد. قضیه‌ی برچسبزنی به سه صورت آمده است: قانون‌شکنی عادی و مسری است و فقط در صورتی که مقندرانه برچسب زده شود به منابع سنتی هویت‌بخش به تدریج رو به انحراف می‌گراید. کنش‌گران به این دلیل به انحراف می‌گرایند که این برچسب به آن‌ها زده می‌شود. آهنگ انحراف حاصل رفتار کارگزاران کنترل اجتماعی است. این مفهوم به این مسئله می‌پردازد که هویت از جمله مفاهیم نادری است که همان‌قدر از لحاظ فردی معنا دارد که از لحاظ جمعی، یک مفهوم استراتژیک است؛ چراکه هویت مبتنی بر منابع مشترکی از قصد و نیت (مانند اخلاقیات) و شبکه‌های تعاملی محدودیت و امکان است، مفهومی مهم در فهم ما از کنش و پیامدهای هم خواسته و هم ناخواسته‌ی آن است (همان : ۴۲).

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش نظریه‌ی داده بنیاد به عنوان یکی از روش‌های مهم در پژوهش کیفی استفاده شده است. نظریه‌ی داده بنیاد، طرح پژوهش کیفی است که محقق بر اساس آن اقدام به تولید یک تبیین عام (نظریه) از یک فرایند، کنش یا تعامل می‌کند که بر اساس دیدگاه شماری از مشارکت کنندگان شکل می‌گیرد . در این روش جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، همزمان انجام می‌شود، و گردآوری داده‌ها همراه با تحلیل تا جایی که به مرحله‌ی اشباع برسد، ادامه می‌یابد. تجزیه و تحلیل فرایندی است که با جمع آوری اولین قسمت داده‌ها شروع می‌شود و ترسیم بستر جزء اساسی آن به شمار می‌رود. در این فرایند، داده‌ها به کوچکترین اجزاء ممکن (مفاهیم) شکسته می‌شوند. داده‌های جدید همزمان با تمام داده‌ها از نظر تفاوت و شباهت مقایسه می‌گردند و مقوله سازی با مرور مکرر و ادغام کدهای مشابه انجام می‌گیرد. این نکته را نیز باید اضافه کرد که در روش نظریه‌ی داده بنیاد پژوهش‌گر کار را با نظریه‌هایی که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند، بلکه کار را در عرصه‌ی واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد، پدیدار شود (استراوس و کوربین ، ۲۰۰۸ : ۱۱۲) . چنین رهیافتی، پس از استخراج داده‌ها، به جای گذاشتن آن به محک تحلیل آماری، به تجزیه و ترکیب غیرمقداری آن مبادرت می‌کند و در این مسیر، زمینه‌ساز نوعی انعطاف پذیری درپژوهش می‌شود. هدف از تحلیل کیفی،

درک معنا و ماهیت رابطه بین متغیرهاست. در ضمن با مقولاتی در پژوهش کیفی سروکار داریم که گاه قابل کمی شدن نیستند. روش‌های کیفی و سیله‌ای برای ارزیابی حقایق سنجه ناپذیر، درباره افراد تحت مطالعه پژوهش‌گران و نیز عناصر نمایانگر خصوصیات شخصیتی آنان هستند. درنتیجه پژوهش‌گران می‌توانند با فنون کیفی، در فهم و درک دیگران شریک شوند و با کشف ساختار زندگی مردم، دریابند که آن‌ها چگونه به زندگی خود و دیگران معنا می‌دهند. روش پژوهش روی انسان‌ها بر چگونگی بررسی شرکت کنندگان تاثیر می‌گذارد، به گونه‌ای که اگر انسان‌ها به صورت آماری مطالعه شوند، خطر عدم تطابق با واقعیت برای نتایجی که از نظر ریاضی دقیق‌اند، وجود دارد.(سفیری، ۱۳۸۷:۲۷-۲۸). به طور کلی حرکت به سوی یک نظریه‌ی محدود به واقعیت در این رویکرد از پنج مرحله کدگذاری باز و تشخیص مفاهیم، توسعه‌ی مفاهیم در جهت ابعاد و ویژگی‌ها، وارد نمودن فرایند به تحلیل، تحلیل داده‌ها برای زمینه و یکپارچه سازی مقولات عبور می‌کند. مشارکت‌ئکنندگان پژوهش حاضر ۲۲ نفر از دانشجویان دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران مرکز هستند. تحلیل داده‌ها: تحلیل داده‌ها با مدنظر قرار دادن ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در رویکرد سیستماتیک نظریه‌ی زمینه‌ای بر مبنای سه شیوه ساخته شده که عبارتند از: ۱) مفاهیم ۲) مقولات ۳) گزاره‌ها . مفاهیم: مفاهیم واحد‌های اصلی تحلیل هستند، چرا که توسعه نظریه، محصول داده‌های جمع آوری شده نیست، بلکه دست یافتن به نظریه، نتیجه مفهوم‌سازی از داده‌هاست (ذکائی، ۱۳۸۱:۵۵) . داده‌ها پس از بررسی و انجام مقایسه‌های پایا و مراجعه مکرر به داده‌ها، توسط محقق، مفهوم سازی گشت. مفاهیم پر تکرار برآمده از داده‌های خام ۶۵ مفهوم را شامل شده است. سپس فرایند مقوله بندی، بر اساس رویه تحلیلی مقایسه کردن، گروه بندی مفاهیم در سطحی بالاتر و انتزاعی‌تر برای دستیابی به مقوله‌ها آغاز شد. در جریان این کار هر مفهوم با مفاهیم قبل یا بعد از خود و با کل مفاهیم موجود مقایسه و تطابق داده شد و بر اساس همانندی و نزدیکی، مقوله‌ها ساخته شدند. مقوله‌های ساخته شده شامل ۶ مقوله اصلی می‌باشد. در جدول شماره ۱ مفاهیم و مقولات به دست آمده ارائه شده‌است:

یافته‌های پژوهش

بر اساس مراحل روش نظریه‌ی داده‌بینیاد، تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به شکل‌گیری ۶ مقوله‌ی اصلی شد (جدول شماره‌ی ۱).

جدول شماره‌ی یک- جدول مفاهیم، مقولات و مقوله‌ی محوری اثرات منفی استخراج شده از داده‌های کیفی

مفهوم	مفهوم
بهران هویت	سردرگمی
	شیدایی - فردیت‌یابی
	ستیز فرهنگی
	خشمنگین و ناراضی
	تنش میان من و الزام‌های اجتماعی
	اختلال در نقش‌های اجتماعی
آزار سایبری	گرسنگ شدن سرمایه‌های اجتماعی
	گسترش ارتباطات اجتماعی منفی و پیوندهای منفی
	سردرگمی OCD
اختلال در کارکرد اجتماعی	اجتماع هراسی
	کاهش اعتبارات فرهنگی گروه‌های مرجع فرهنگی
	ارزشی جامعه
	اختلاف وقت
	عدم رعایت تکالیف و انتظارات اجتماعی
	گشست شبکه‌های ارتباط اجتماعی
	احساس جدایی و انزوا نشینی
	پرخاش‌گری و بدخلقی
	عدم توجه و تمرکز
	گسترش مصرف مواد الکلی
تصویر اندام	گسترش مصرف اعیاد
	کاهش عزت نفس
	وسواس خود زشت‌پنداری
	باتانگاری
	اختلال بدريخت‌انگاری بدن BDD
	نمایش بر روی صحنه
	خودبیگانگی - بیگانگی از زمان
طلب پذیرش دیگران	اهمیت فرم و فیزیک بدن

	احتمال افزایش خودکشی	DAG ننگ
	مخدوش شدن حریم‌های پشت صحنه	
	احساس تنهایی	هتك حیثیت فردی
	خودخوری و آسیب به خود	کاهش پیوندهای عاطفی با خانواده و اجتماع
ترس از طردشدن	سرخوردگی و احساس ناکامی	شخصیت نمایشی و کمال گرا
	اهمیت احراز مدیریت تأثیرگذار	وسوس اینترنتی
	رقابت و شتاب	ابزار کسب محبوبیت و اعتبار
	اتلاف وقت	چند شخصیتی
	سرخوردگی و احساس ناکامی	نگرانی و تشویش
	اهمیت قدرت در اجتماع مدرن	کاهش مشارکت مدنی
	همانندسازی خود با گروه‌های هم‌سالان	وسوس تلفن همراه
	افت عملکرد اجتماعی	ترس از جدا افتادگی اجتماعی

در ادامه به هریک از مقولات اصلی به مثابه یافته‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

بحران هویت

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها آشکار ساخت که چهار مورد از پنج شبکه‌ی اجتماعی که بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند عملاً احساس اضطراب آن‌ها را بدتر می‌کنند. این تحقیق نشان داد، افراد جوانی که استفاده زیادی از رسانه‌های اجتماعی دارند به عبارتی زمانی بیش از دو ساعت در روز را در سایت‌های شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک، توئیتر یا اینستاگرام می‌گذرانند، ممکن است احساس سرخوردگی و نامیدی پیدا کرده و حتی تصور کنند هیچ نکته‌ی مثبتی در زندگی آن‌ها وجود ندارد و حتی با دیدن این تصاویر زمینه برای ابتلا به افسردگی در آن‌ها فراهم شود. نگرش «مقایسه و نامیدی» در جوانان احساس بی‌کفایتی، عدم اعتماد به نفس، کاهش عزت نفس، حرمت نفس ضعیف و تداوم کمال‌گرایی و سردرگمی نقش است و عدم دست‌یابی به نیازها و آرزوها بحران هویت سبب می‌شود.

اختلال در کارکرد اجتماعی

برخی بیان می‌کنند که در طول شب برای بررسی پیام‌ها در شبکه‌های اجتماعی بیدار می‌مانند که موجب می‌شود که سه برابر خستگی بیشتر نسبت به همکلاسی‌های خود که از شبکه‌های اجتماعی

در طول شب استفاده نمی‌کنند دارند. این امر بهنوبه‌ی خود موجب اختلال در کارکرد اجتماعی آن-ها می‌شود.

تصویر اندام

تأثیر صنایع فرهنگی بر نگرش‌ها و رفتار جوانان با این فرض آغاز می‌شود که این رفتار، مبتنی بر جهت‌گیری به سمت یادگیری از طریق تقلید رفتاری است که از طریق رسانه‌های جمعی منتقل می‌شوند. این خود مشکلاتی نظیر به عینی و واقعی بودن تصویری است که رسانه‌های جمعی از جهان به دست می‌دهند. این تصویر، برخی اوقات یک‌سویه و یا نادرست است؛ چراکه رسانه می-تواند با امکانات عظیم خود، حقایق را دستکاری کرده و الگوهایی را ساخته و پرداخته نماید که حقیقت ندارد. گزاره نیست اگر گفته شود که بحران بینادین رسانه‌های جمعی امروزی، بحران حقیقت است؛ چراکه امکان تبدیل ارزش‌های نمایش داده شده از رسانه‌های جمعی به بخشی از شخصیت افراد، بدل به الگویی زیباشناختی می‌شوند. تصویر بدن مسئله‌ی مهمی در افراد جوان چه زن و چه مرد است اما برای زنان در سنین نوجوانی و اوایل دهه‌ی بیست اهمیت زیادی دارد. حدود ۵ نفر از ده دختر جوان می‌گویند که از اندام خود ناراضی هستند و اعتمادبه‌نفس کمتری نسبت به دیگران دارند. در حقیقت اعتمادبه‌نفس بالا سنگ بنای موقفيت‌های کوچک یا بزرگ در زندگی محسوب می‌شود. شبکه‌های اجتماعی افزایش تصمیم نسل جوان به جراحی زیبایی را با انتشار تصاویر سلبریتی‌ها و مانکن‌ها افزایش داده تا همه عکس‌ها را بهتر ببینند. همین امر دارای پیامدهایی برای سلامت جسمی از طریق عمل جراحی غیرضروری است.

آزار سایبری

آزار و اذیت طی کودکی یک عامل خطرزای اصلی برای برخی مسائل مانند سلامت روانی، آموزش و روابط اجتماعی با اثرات درازمدت است. افزایش رسانه‌های اجتماعی به این معنی است که کودکان و افراد جوان اغلب در تماس با یکدیگر هستند. روزها در مدرسه با ارتباط دیداری پر می‌شود و زمان در خانه با تماس از طریق شبکه‌های اجتماعی. زمان کمی برای جوان‌های امروز به صورت غیرتعاملی سپری می‌شود. ازان‌جا که بیشتر این تعاملات مثبت هستند همچنین فرصتی را برای معرضان برای ادامه سوءاستفاده فراهم می‌کند. حتی زمانی که به‌طور فیزیکی نزدیک به فرد نباشند. افزایش شبکه‌های اجتماعی برخی اوقات مشکل‌آفرین است چون به عنوان ابزاری سریع برای گردش پیام‌ها آزار و اذیت و انتشار تصاویر هستند. ۳۷٪ افراد جوان بیان می‌کنند که تجربه‌ی

آزارهای سایبری را در دفعات زیاد داشته‌اند. قربانیان این آزار اذیت احتمالاً دارای عملکرد تحصیلی پایین، افسردگی، اضطراب، خود آسیبی، احساس تنهایی و تغییر در الگوی خواب و تغذیه بودند که همه‌ی آن‌ها می‌توانند سطح زندگی افراد جوان را تغییر دهند.

ترس از طردشدن

مفهوم ترس از پذیرفته نشدن (FoMO) نسبتاً جدید است و به سرعت در فرهنگ ما رایج شده است که به دلیل پیدایش و افزایش تعداد رسانه‌های اجتماعی است. این اصطلاح بهویژه در افراد جوان استفاده می‌شود. در اصل FoMO نگرانی از رویدادهای اجتماعی یا به عبارت دیگر فعالیت‌های لذت‌بخش است که احتمالاً بدون آنکه شما از وقوع آن لذت ببرید اتفاق می‌افتد. FoMO نیاز به ارتباط مداوم با سایر افراد مشغول دارد تا مورد پذیرش قرار گیرند. FoMO با خلق و خوی بد و رضایت از زندگی کمتر همبستگی دارد. به اشتراک گذاشتن عکس‌ها و ویدئو در رسانه‌های جمعی به این معناست که افراد جوان با جریان بی‌انتهای تجربیات سایرین مواجه می‌شوند که می‌تواند به‌طور بالقوه موجب صرف احساساتی شود که در زندگی نداشتند. FoMO ارتباط تنگاتنگی با سطوح بالای موافقت رسانه‌های اجتماعی دارند که یعنی استفاده‌ی شخصی بیشتر از رسانه‌های اجتماعی موجب افزایش احتمال وقوع FoMO می‌شود. بسیاری از افراد درجاتی از FoMO تجربه می‌کنند و برای بسیاری مسائلی خاصی نیست. با وجود این، افزایش گزارش افراد در این خصوص که FoMO سبب می‌شود که آن‌ها تنש خود را به صورت اضطراب و احساس ناکافی - بودن نشان دهند.

کدگذاری محوری

مرحله‌ی دوم کدگذاری محوری است و برای یافتن روابط میان مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها به کار رفته و داده‌ها را دوباره به شیوه‌ای جدید روی هم می‌گذارد که به تعبیر استراوس و کوربین (۱۳۹۲) فرآیند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی است. کدگذاری محوری با استفاده از یک پارادایم انجام می‌گیرد که شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهاست.

شرایط علی

در نظریه‌ی مبنایی به چرایی و چگونگی واکنش سوژه‌ها به یک پدیده‌ی خاص اشاره دارد. در تحقیق حاضر، شرایط علی به مجموعه‌ای از علل و عوامل ایجابی و ایجادی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت فرهنگی جوانان از منظر سوژه‌ها اشاره دارد.

جدول شماره‌ی دو- شرایط علی

شرایط علی

<p>لیلا: "از طریق شبکه های اجتماعی با گروه هایی آشنا شدم و مرتب با هم چت می کردیم و دوست داشتم شاخ گروه باشم و همیشه آنلاین بودم. گاهی تا 24 ساعت بیدار می ماندم و همه ی کامنت ها را چک می کردم همین هم موبایل خواب و در نتیجه افت تعلیمی شدید شد. همیشه خسته بودم و همیشه کارهای روزمره ام را دیگر نمی توانستم به خوبی انجام دهم. کمی هم چاق شده بودم و عزت نفسم هم آمدی بود پایین و اصلًا هیچ تمرزک و توجهی بر روی کارهای روزمره ی خودم ندارم همین باعث شد که بعضی از وادجهای دانشگاهیم را بیفشم".</p>	<p>گاهش حرمت نفس</p>
<p>مایده: "اصلاً از اندام خودم راضی نیستم وقتی از طریق شبکه های اجتماعی مدل های معروف و سایر مانکن های معروف را می بینم احساس ناراحتی می کنم و همیشه بدنبال هوتیت جدیدی هستم و گاه از خودم بدم می آید که چرا مثل آنها نیستم. به خاطر همین هر طور که شده می خواهم جراحی کنم".</p>	<p>وسایس خود زشت پنداری (Bdd)</p>
<p>مهتا: "من شخصاً مورد آزار قرار گرفتم و سپس در فیسبوک توسط گروهی از دختران دانشگاه (عکس های خصوصی مرا پخش کردند). دست از خدا خوردن کشیدم و به سخنی خواییدم و به شدت اضطراب در خروج از خانه و رفتن به دانشگاه داشتم این مسئله بهشدت سلامت روانی و آسایش مرا تحت تأثیر قرارداد.".</p>	<p>داغ نگ</p>
<p>مرضیه: "دوستی و ارتباط در شبکه های مجازی لطفه ای بزرگ به من زد. دوست پسونم با سوء استفاده از تصاویر من و با اضافه کردن نوشتارهای مختلف و حتی بی ادبانه ، اقدام به ساخت برجسته (استیکر) غیر اخلاقی از این تصاویر کرد و آن ها را در شبکه های اجتماعی منتشر کرد. لطفه ای بزرگ به من زد طوری که از نظر روحی و روانی حسابی به هم بیختم که موجب خود خوری و آسیب به خودم شدم حتی افسردگی شدیدی هم گرفتم بطوریکه یکی دو ترم نتوانستم بروم دانشگاه".</p>	
<p>مریم: "از نظر من چون عکس ها و پروفایل هر کسی خیلی مهم است برایم داشتن اندام بدنی و رو فرم بدن و جذابیت خیلی مهم تر است. به خاطر همین دو سه جراحی زیبایی کردم. و از اینکه همه در کامنت هایشان در مورد اندام اظهار نظر می کنند لذت می برم".</p>	<p>اهمیت اجرای بهترین نمایش بر روی صحنه</p>
<p>زهرا: "اینستاگرام به آسانی به زنان و دختران این احساس را می دهد که فرم بدن ما به اندازه کافی زیبایی نسبت به سایر افراد را ندارد و به همین علت عکس و پروفایل خود را ویرایش می کنم تا بسیار عالی به نظر برسم".</p>	<p>ظاهربرستی و خودنمایی</p>
<p>ویدا: "آزار افراد ناشناس آنلاین در توییتر پیرامون موضوعات شخصی موجب آزار رساندن به خودم و ترسیدن از رفتن به دانشگاه شد. آزار و اذیت در اینستاگرام باعث شد تا من تلاش به خودکشی و آسیب به خود نمایم. هر دو باعث شدند تا من تجربه افسردگی مدام و اضطراب را داشته باشم".</p>	<p>هنج حیثیت فردی</p>
<p>منیژه: اصولاً وجه مشترک خیلی از کاربران از جمله خودم این است که یک نوع شخصیت و هویت آرمانی با یک تیپ ایده آل از خود نشان بدهیم . به همین خاطر مرتب تلاش می کیم تا همیشه روی فرم بدنی خوب باشیم حالا یا جراحی یا استفاده از دستگاه های زیبایی".</p>	<p>آشنازی منش در انر خودشیفتگی</p>
<p>پریسا: اگر بخواهیم محبوبیت و اعتبار و قدرت در جامعه داشته باشیم اولین شرط آن زیبایی است که برای من اهمیت دارد. بر همین اساس است که لایک و فالوور ها هم بالا می رود."</p>	<p>اهمیت قدرت در اجتماع مدرن</p>
<p>مایده: "اصلاً از اندام خودم راضی نیستم وقتی از طریق شبکه های اجتماعی مدل های معروف و سایر مانکن های معروف را می بینم احساس ناراحتی می کنم و همیشه بدنبال هوتیت جدیدی هستم و گاه از خودم بدم می آید که چرا مثل آنها نیستم. به خاطر همین هر طور که شده می خواهم جراحی کنم".</p>	<p>اختلال هویتی</p>

شرایط زمینه‌ای:

شرایط زمینه‌ای مجموعه‌ی خاصی از شرایط‌اند که در یک زمان و مکان خاص پدید می‌آیند تا مجموعه‌ی اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد با عمل و تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند. شرایط زمینه‌ای منشأ در شرایط علی و دخالت دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آن‌ها با یکدیگر برای شکل‌دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون‌اند. زمینه‌هایی که در آن راهبردهای مربوط به نقش شبکه‌های اجتماعی بر هویت فرهنگی بسط یافته-

اند:

جدول شماره‌ی سه- شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای	
امیر مهدی : " من همزمان چند صفحه در اینستا دارم و هر کدام هم با یک شخصیت متفاوت و مدیرت کردن هر کدام همراه است. گاهی وقت های میتوانم نا ساعت های بیدار بمانم، با خاطر همین از برخی کارها و مسئولیت هایم جا میمانم با بخوبی نمیتوانم آنها را انجام دهم. "	شخصیت نمایشی و کمال گرا
منصوره : " من مجبور بودم نا شارزه موبایل را برای استفاده از فیسبوک همراه داشته باشم، به عبارت دیگر اگر اینترنت با این شبکه ها قطع می شد حسایی احساس جدایی می کردم، کلاهه می شدم و شروع به خودن تاخن می کردم ".	سواس تلقن همراه
مهدهیه : " من از طریق شبکه ها شخصیوگ و اینستا سیگار کشیدن و کل را تجربه کردم جون می خواستم مثل جوانان خارجی باشم آزاد و خوشحال و مرتب خودم را با زندگی آنان مقابله می کردم. همیشه اضطراب داشتم. کم کم سیگار روحی و دوایی برام بین آمد افسوسدگی از طرف و انجار از همه کس از طرف دیگر و گاهی هم حتی فکر خودکشی به سر می زد. افسوسه و گوشش گش شدم. سر کلابس ها هم (دانشگاه) بکی درمان می آمیم و افت شدید تحلیصی هم دارم. گاهی هم از خودم از عالم و ادم بیزارمی شم ".	سرخوردگی و احساس ناگامی
مرغیه : " دوستی و ارتباط در شبکه های مجازی اطلاعه ای بزرگ به من زد. دوست پرسم با سوء استفاده از تصاویر من یا اتفاقی کردن نوشتارهای مختلف و حتی بی ادبیه اقدام به ساخت برخسب (استیکر) غیر اخلاقی از این تصاویر کرد و آن ها را در شبکه های اجتماعی منتشر کرد. اطلاعه ای بزرگ به من زد طوطی که از نظر روحی و روانی حسایی به هم ریختم که موجب خود خود خواری و آسیب به خودم شدم حتی افسوسدگی شدیدی هم گرفتم بطور که یکی دو نرم نتوانستم بروم دانشگاه ".	عدم امنیت پشت صحنه
للا : " از طریق شبکه ها با گروه های آشنا شدم و مرتباً هم جت می کردم و دوست داشتم شاخ گروه باشم و همسنه آتلاین بودم. گاهی تا 24 ساعت بیدار می ماندم و همه کامنت ها را جک می کردم همین هم موجب کمبود خواب و در نتیجه افت تحریصی شدید شد. همیشه خسته بودم و عصبی کارهای روزمره ام را دیگر نمی توانستم به خوبی انجام دهم. کمی هم جاق شده بودم و عزت نفسم هم آمد بود پایین و اصلا هیچ تمثیل و توجهی بر روی کارهای روزمره ای خودم ندازم همین باعث شد که بعینی از واحدهای دانشگاهم را بیفتم ".	سواس اینترنتی
بارسا : " من از همان دوران کوکی نمایانلایی دخترانه داشتم (لباس های صورتی و پنفس دوست داشتم و عروسک بازی می کردم) والدینم سرسختانه بخورد بدی با من داشتند و در سن جوانی تضمیم به تغییر جنسیت گرفتم مخالفت بدر و مادرم از بکطرف و فرهنگ جامعه که هیچ ارزشی برای ما فائل نمی شود و از طرف جامعه هم طرد می شوم. حتی دانشگاه هم مرایه خاطر ظاهر نتبیه آموزشی کرده است. بیستین و نیم را شبکه های اجتماعی می گذرانم و با گروه های مثل خودم در خارج از کشور بر خوردم و همین که می دیدم ترنس در آن جوامع مسلکانی ندادند از ایرانی بودن و فرهنگ غالب کشود بیزار می شوم. برای خلاصی از این فشار کمیتی در شبکه های اجتماعی به نام " من را دریابید " راه اندامیم. فکر کنم را هم نمی کردم در مدت کوتاهی فلاؤوراتم روز به روز بینشد بیست سه و از مصمیم من برای تغییر جنسیت حمامت می کردند و بخیزی تیغ حاضر به دادن بالایی هم بودند. با مراعظ به بینک و ارجاع به روانکاو و سرکت در کلاس های تراوی به مقتضی اختراف کردم. هراس از تغییر جنسیت داشتم و این تهازن دليل جراحی بود و می ترسیدم اگر انصراف بهدهم فالوراتم را ازدست بدهم و ترس از طرد شدن مثل کابوس بود. مرتباً بی گمی می کنند و در کامنت های یقانم می گذارند که روز جراحی را اعلام کنم اصلان از جراحی می ترسم. همیشه اسریس و نتن دارم ".	توس از جدا اتفاقاتگی اجتماعی
هون : " با عضویت در شبکه های بینسته مرا ناراحت و عصبی می کند. همیشه احساس جدایی و نرس دارم. اگر منوجه موضوع من بسوند از طریق شبکه ها طلب ارتباط جنسی از من دارند. باید عضو شبکه ها باشی تا مورد بذرخواه فرار بگیری برای من دیگر ارزش ها و اخلاقیات جامعه ام اهمت ندارد ".	گمراهی شدن ارزش های فرهنگی
مهنا : " من شخصاً مورد آزار فرار گرفتم و سپس در فیسبوک توسط گروهی از دختران دانشگاه (عکس های خصوصی مرا بخشن کردند). دست از خدا خودن تشدید و به سختی می خوابدم و به سدت اضطراب در خروج از خانه و وفن به دانشگاه داشتم این مسئله بهشدت سلامت روانی و آسمانی مرا تحت تأثیر قرارداد ".	آزار و اذیت سایبری

شرایط مداخله‌گر و میانجی:

منظور از شرایط مداخله‌گر، وضعیت‌هایی است که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل تأثیر-گذار هستند. به عبارت دیگر این شرایط به عوامل و عناصری مناسب و یا نامناسب اشاره دارند که اثرات یک یا چند عامل تغییر را کنترل یا فعال‌تر می‌سازند. در این تحقیق، شرایط مداخله-گری که به کارگیری راهبردها را تسهیل یا محدود می‌کنند، شامل:

جدول شماره‌ی چهار - شرایط میانجی و مداخله گر

شرایط میانجی	
ویدا: " آزار افراد ناشناس آتلاین در توییتر پیرامون موضوعات سخنی موجب آزار رساندن به خودم و ترسیدن از زفین به دانشگاه شد. آزار و اذیت در اینسیاگرام باعث شد ناسی ناشن به خودکشی و آسیب به خود نمایم. هر دو باعث شدند تا من تجربه افسردگی مدام و اضطراب را داشته باشم ".	اختلال استرس پس از سانجه
مرضیه: " دوستی و ارباباط در شبکه های جازی لطمہ ای بزرگ به من زد . دوست بسرم با سوء استفاده از تصاویر من و با اضافه کردن نوشیارهای مخلطف و حنی بی ادبانه ، اقدام به ساخت برحسب (استسکر) غیر اخلاقی از این تصاویر کرد و آن ها را در شبکه های اجتماعی منتشر کرد . لطمہ ای بزرگ به من زد طوری که از نظر روحی و روانی حساسی به هم ریختم که موجب خود خوری و آسیب به خودم شدم حتی افسردگی شدیدی هم گرفتم بطوریکه نکی دو نرم ندوانستم بروم دانشگاه و همینطور از حضور در بین دوستان و همکلاسی و فامیل وحشت داشتم ".	اجتماع هراسی
محمد: " زمانی که می توانید در یک اپلیکشن بگذرانید- خلیل اعتمادآور است. زمانی را که برای بازنگری صرف می کنم نمی توانم تکالیفم را انجام دهم نمی توانم با خلوهاد با دوستان تعامل کنم و زمان خواب سانه رانم از دست می دهم و برخاستگر و بی خوصله می شوم و نمی توانم کارهای اوجاعی در کارم را خوب انجام دهم ".	گاهش تغاملات اجتماعی
الله: " همسنه نگرانیم که دیگران در مورد من چه قضائی می کنند. از رفتار و ظاهرم گرفته نا موقعیت اجتماعی و اقتصادی ام . اضطراب دارم و عزت نفس بایین . در جمیع کمتر صحبت می کنم جون لبهه دارم . مجبورم هویت فرهنگی خودم را همسنه بنهان کنم . عکس های برواقنام هم را همسنه فتوسab می کنم تا خودم را بهتر و زیباتر نشان دهم ".	حاله بوشی
اسیر مهدی: " من همزمان جند صفحه در اینستا دارم و هر کدام هم با یک سخن‌صوت منقاوت و مدبرت کردن هر کدام هم وقت زیادی از من می گیرد بطوری که گاهی وقت ها مجبورم تا ساعت ها بیدار بیمانم . بخاطر همین از برخی کارها و مستولیت هایم جا می مانم با بخوبی نمی توانم آنها را انجام دهم . "	رتوش رفتاری

راهبردها:

راهبردها مکانیزم و تدبیری است که در برخورد با پدیده به کار گرفته می‌شود . کنش‌گران جهت تحقیق پدیده به تدبیری می‌اندیشنند و با توجه به شرایط و امکانات موجود راهبردی را اخذ می‌کنند. استراوس و کوربین راهبردهای چگونگی مدیریت موقعیت‌ها را که توسط افراد در مواجه با مسایل به کار گرفته می‌شود تعریف می‌کنند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰ : ۱۵۵) . به عبارت دیگر راهبردها کنش‌های هدفمندی هستند که برای حل یک مسئله یا نیل به اهدافی صورت می‌گیرند و یا صورت گرفتن آن‌ها، پدیده، محقق می‌شود. در نظریه‌ی استراوس و کوربین شرایط زمینه‌ای و شرایط میانجی هردو راهبردها ناظراند و متوجه فعالیت‌ها و برنامه‌هایی هستند که به تحقق و شکل‌گیری پدیده منجر گردد. در تحقیق حاضر بر راهبردهای متعددی از سوی سوژه‌ها جهت حصول به نقش شبکه‌های اجتماعی بر هویت فرهنگی جوانان تأکید گردیده است.

جدول شماره‌ی پنج - راهبردها

راهبردها	افزایش اعتماد به نفس
ژهرا : وقتی بک جوان بدنبال این است که خودش را مرتب در صفحات و بیج‌های اینستا و فیسبوک خودش را نشان دهد به معنای این است که اعتماد به نفس ندارد . آدم باید خودش را دوست داشته و همین طوری قبول کند.	افزایش اعتماد به نفس
سهیل : من هم معتقدم که هیچ جزئی مثل بک آموزش صحیح با برنامه ریزی اصولی نمی تواند برای خطوط و مسابل و مسکلات ناسی از همین شبکه‌ها مفید باشد .	گاهش خطرات و آسیب‌های اجتماعی و روانی با برname ریزی صحیح
مهدی : شبکه‌ها و اینترنت همانطور که مفید و همه‌ی کارهای روزمره و زندگی وابسته به آنها است به همان نسبت هم خطرات و آسیب‌های خودش را هم دارد . برای جلوگیری از این آسیب‌ها بهتر است که دولت و نهاد مدرسه و دانشگاه‌ها مهارت استفاده و آگاهی افراد را نسبت به همه‌ی جوانان بک جوانه را بالا ببرند .	افزایش مهارت‌ها و آگاهی اجتماعی جوانان
میتا : من بک جوانم و دارم ارسد می خواهم اما نه دانشگاه نه جامعه هرگز از داشن و ایده و خلاقت ما اصلاً استفاده نمی کنند . اگر سازمان ملی جوانان گروه‌های جوانان تشکیل دهد با هر داشن و مهاری همین امر سبب می سود که جوانان دلگرم شده و کمتر بدنبال اتفاق وقوع در این شبکه‌ها باشند .	تشویق و افزایش انکیزه‌ی همنگری جوانان در مسائل اجتماعی
اصن : بهترین حالتی که جوانان و حنی نوجوانان کمتر در دجاج آسیب و گرفتاری ها سوند این است که آنها را باور گردد و شغل و کار برای آنها ایجاد کنند .	افزایش شارکت اجتماعی و سپردن نقش‌های مهم جامعه
آلیسا : اگر همه باد بگیرند که به افواه و سایر ادیان احترام بگذارند و همه با هم اتحاد داشته باشند و اینطوری جوانان همدیگر را بینا می کنند و می توانند به همدیگر کمک نمایند .	افزایش همیستکی اجتماعی
داود : قبل از اینکه اینترنت و شبکه‌ها را دستورمن فوار بدهند باید آموزش و کاربرد و کارایی هر کدام را هم بدهند . مثلاً در آمریکا بهج که 18 سالیش تمام سود به راهنمی از والدین خود جدا می شود و سرنسنه‌ی زندگیش دست خودش می افتد و بدر و مادر هم حق دخالت تدارند و با هم بارزی رفتن و همخانه سدن با جنس مخالف . خب این مورد در همان جامعه و قوانین خودش است . من خیلی از بهج را می شناسم که مرتب در این بیج‌ها با هم جت می کنند و می خواهند نهلید . کنند . نتیجه این هم می شود این بین و باری و اعتماد و پیداختنی درگر .	ازوم آگاهی پخشی صحیح ارزش‌های فرهنگی سایر ملل به جوانان

پیامدها:

آخرین اصطلاح پارادایمی در روش نظریه‌ی مبنایی استراوس و کوربین پیامدهاست . بهزعم آنان هرجا راهبردی یا انجام عملی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی اتخاذ شود، پیامدهایی همراه دارد . در تحقیق حاضر هریک از راهبردهای پیشنهادشده از سوی سوژه‌ها که به تحقق و شکل‌گیری نقش شبکه‌های اجتماعی بر هویت

فرهنگی جوانان منجر می‌گردد، پیامدهایی را نیز در بر دارد. سوژه‌های تحت مطالعه به پیامدهایی در این خصوص اشاره کرده‌اند.

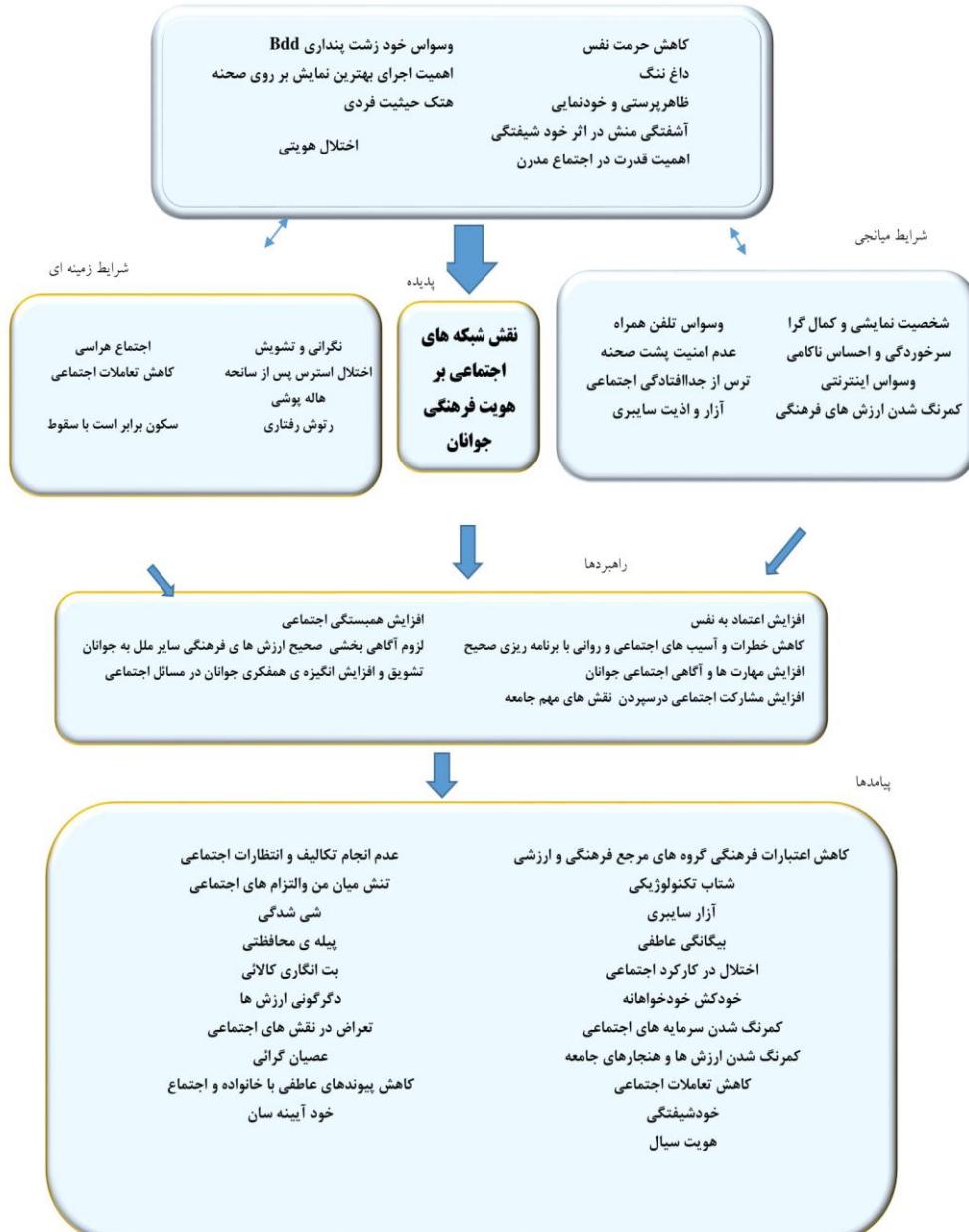
جدول شماره‌ی شش - پیامدها

پیامدها	کاهش اعتبارات فرهنگی گروه‌های مرجع فرهنگی و ارزشی جامعه
ما بده: " اصلاح اندام خودم راضی نیستم و قنی از طریق شبکه‌های اجتماعی مدل‌های معروف و سایر مانکن‌های معروف را می‌بینم احساس نازاختی می‌کنم و همیشه بدنیال هویت جدیدی هستم و کاهه از خودم پدم می‌آید که جراحت آنها نیستم . به خاطر همین مر طور که شده می‌خواهم جراحی کنم ".	عدم انجام تکاليف و انتظارات اجتماعی
امری مهدی: " من همچنان چند صفحه در اینستا دارم و هر کدام هم با یک سخن‌سیست مقاومت و مدیریت کردن هر کدام همه‌وق زیادی از من می‌گیرد بطوطی که گاهی وقت‌ها مجبورم نا ساعت ها بیدار بمانم . بخاطر همین از برخی کارها و مستویت هایم جا می‌مانم یا بخوبی نمی‌توانم آنها را انجام دهم . "	تش میان من و التزام های اجتماعی
فرزاده: " این (رسانه‌های اجتماعی) سبب شدند که من نتوانم بخوبی غذا پختومن و وزن زیادی را از دست بدhem و بسیار افسرده شوم، از یکطرف آزادی و احساس لذت و خوشگذرانی بود و از یکطرف هم فشار خانواده و هنجارها بود . درنهایت بهبود پیدا کردم که برای من بسیار دشوار بود اما پس از 8 سال مجدد نوائنسن روبراه شوم. بهطورکلی باید بگویم که رسانه‌های اجتماعی در من مسائل بسیاری را اجاد کرد و چندین بار باعث ایجاد افسرده‌گی و استرس و حتی در من بیزاری از خودم و اطرافیانم و کم کم از اجتماع دور شدم . "	شی شدگی
مریم: " از نظر من جون عکس ها و بروفايل هر کسی خلی مهم است برایم داشتن اندام بدنی و دو فرم بودن و چذابیت خلی مهم نیست . به خاطر همین دو سه جراحی زیبایی کردم . و از اینکه همه در کامنت هایشان در مورد اندام اظهار نظر می‌کنند لذت می‌برم ".	پله‌ی محافظتی
ژهرا: " اینستاگرام به‌آسانی به زنان و دختران این احساس را می‌دهد که فرم بدن ما بهاندازه کافی زیبایی نسبت به سایر افراد را ندارد و به همین علت عکس و بروفايل خود را ویرایش می‌کنم تا بسیار عالی به نظر برسیم ".	عصیان گرایی (نوع چهارم نظریه انحرافات مرتن)
پارسا: " من از همان دوران کودکی تمايلاتی دخترانه داشتم (لباس های صورتی و بنقش دوست داشتم و عروسک بازی می‌کردم) والدینم سرخانه برخورد بدی با من داشتند و در سن جوانی تصمیم به تغییر جنسیت گرفتم مخالفت پدر و مادرم از یکطرف و فرهنگ جامعه که هیچ ارزشی برای ما فاصل نمی‌سود و از طرف جامعه هم طرد می‌شوم . حتی دانشگاه هم مرا به خاطر ظاهرم تنبیه اموزشی کرده است . بیشترین وقت خود را با شبکه های اجتماعی می‌گذرانم و با گروه های مثل خودم در خارج از کشور بر خودم و همین که می‌دیدم نرنس در آن جوامع مشکل‌اند ندارند از ایرانی بودن و فرهنگ غالب کسوسورم بیزار می‌شوم . برای خلاصی از این فسوار کمپینی در شبکه های اجتماعی به نام " من را در برابد " راه اندختن . فکریش را هم نمی‌کردم در مدت گوتانه فالاورانم روز به روز بسته بیشتر شد و از صیمیم من برای تغییر جنسیت حمایت می‌کردند و برخی نیز حاضر به دادن مبالغی هم بودند . با مراجعه به پزشک و ارجاع به روانکاو و سرکت در کلاس های نرایی به حیفته ای اعتراف کردم . هر این از تغییر جنسیت داشتم و این تنهایت دلیل جراحی بود و می‌رسیدم اگر اتصارف بددهم فالاورانم را از دست بدhem و نرس از طرد سدن مثل کابوس بود . مرتب بی گیری می‌کنند و در کامنت های بی‌عquam می‌گذارند که روز جراحی را اعلام کنم اصلاً من از جراحی می‌ترسم . همیشه استرس و نش دارم ".	د گرگونی ارزش‌ها
پریسا: اگر بخواهیم محبوبیت و اعتبار در جامعه داشته باشیم اولین سروط آن زیبایی است که برای من اهمیت دارد . بر همین اساس است که لايك و فالاور ها hem بالا می‌رود ".	سکون برابر است با سقوط
هادی: " طی امتحان دانشگاه خلی نجت‌فسار بودم به دلیل این واقعیت که من تحت تأثیر قرار گرفته بودم ما گروهی را تشکیل داده بودم که مرتب بیام به هم می‌دانم و هر کسی که کم بر فعالیت می‌کرد دلیل اکانت می‌شد و همیشه نرس این را داشتم که اگر رسانه اجتماعی خود را خاموش کنم کنار گذاشته شوم . درنتیجه نمی‌توانستم با خودم مبارزه کنم و به دلیل اضطراب و استرس نمرکز کافی روی مطالعه نداشته باشم ".	

<p>رها : "نالصد از زندگی هستم، همیشه استرس دارم و هیچ امیدی به آینده ندارم همینطور الکی درس می خواهم، وقتی از طریق شبکه‌های اجتماعی می بینم دیگر کسیووها جطور در رفاه و آسایش زندگی می کنند حسرت می خورم که جرا من میل آنها نیستم. سما یک نگاه به خانه و زندگی ما بینداز و با مال آنها مقاومه کن. من همیشه حسرت دیگران را می خورم."</p>	<p>گمنگ شدن سرمایه‌های اجتماعی</p>
<p>هون : "با عضویت در شبکه‌ها بیشتر مرا تاراحت و عصبی می کند. همیشه احساس چدایی و ترس دارم. اگر منوجه موضوع من بشنود از طریق شبکه‌ها طلب ارتباط جنسی از من دارند. باید عضو شبکه‌ها باشی تا مورد پذیرش افراد قرار یگیری برای من دیگر ارزش‌ها و اخلاقیات جامعه ام اعتصم ندارد."</p>	<p>گمنگ شدن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه</p>
<p>راحله : "من سبب ناصیح در اینسانا می جرخم و می دوام بفهم که جگوهه این سابت می بواند روی برخی از جوانان تائیر منتفی بگذرد. اگر شما دوستان زیادی نداشته باشید با از زندگی خود لذت کافی نبرید و در عین حال تصاویر افراد دیگر را در حال شادی یا گذراندن اوقات خوب در سایت‌های اجتماعی ببینید. قطعاً روی روحیه شما نایبر منتفی خواهد گذاشت و همین یا بخت تاراحتی و احسانی پاس و تائیدی می شود."</p>	<p>کاهش تعاملات اجتماعی</p>
<p>لیلا : "از طریق شبکه‌ها با گروه هایی آشنا شدم و مرتب با هم جت می کردیم و دوست داشتم ساخت گروه باشم و همیشه آنلاین بودم. گاهی تا 24 ساعت پیدار می ماندم و همه‌ی کامنت‌ها را جک می کردم همین هم موجب کمبود خواب و در نتیجه افت تحصیلی شدید شدم. همیشه خسنه بودم و عصبی کارهای روزمره ام را دیگر نمی نوشتsem به خوبی انجام دهم. کمی هم حاق شده بودم و عزت نفسم هم آمدۀ بود ناسن و اصلا هیچ تمکز و توجهی بر روی کارهای روزمره‌ی خودم ندارم همین باعث شد که بعضی از واحدهای دانشگاهیم را بیفتم".</p>	<p>خودشیفتگی فلچ کننده</p>
<p>مریم : "گذران هر روزه‌ی من در شبکه‌های اجتماعی سطح استرس و اضطراب اجتماعی را در من افزایش می دهد. من همیشه نگرانم که دیگران جه فکری در مورد مطالب و عکس‌های من می کنند و از هم‌سه میهم نر هنگام جت با دیگر کاربران خارجی سعی می کنم که هوت خودم را فاش نکنم"</p>	<p>هویت سیال</p>

نتایج حاصله به صورت شماتیک و به صورت مدل پارادایمی در نمودار شماره‌ی ۱ ارائه می گردد.

مدل پارادایمی نقش شبکه‌های اجتماعی بر هویت فرهنگی جوانان ابعاد منفی نقش شبکه‌های اجتماعی
شرایط علی



جدول گروه- راهنمای سریع

بر اساس سوالاتی که پرسیده شد، افراد جوان گروه‌بندی می‌شوند، در زیر یک راهنمای سریع برای هر شبکه‌ی اجتماعی است که تأثیر خالص آن را بر هویت فرهنگی افراد جوان نشان می‌دهد که در آن بالاترین و پایین‌ترین میزان استفاده را نشان می‌دهد.



بحث و نتیجه‌گیری

امروزه فناوری‌های نوین ارتباطی امکان به وجود آمدن یک فرهنگ جهانی را ایجاد کرده‌اند. فناوری‌هایی همچون شبکه‌های اجتماعی به سرعت از مرزهای فرهنگی کشورها می‌گذرند. همان‌طور که مقاله‌ی حاضر نشان‌دهنده‌ی آن است که رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی موجب گسترش ارزش‌ها، هنجارها، نمادها، آداب و رسوم مختلف و سایر عناصر فرهنگی در سطح جامعه شده و خانواده‌ها و جوانان با سبک‌های زندگی مختلف آشنا و با هویت‌ها و ایدئولوژی‌های متفاوتی روبرو شوند، نفوذ و گسترش این فناوری‌ها بخشی از زمان و فراغت جوانان و اعضای خانواده‌ها را به خود اختصاص داده است. یکی از نتایج این پژوهش تضعیف ساختارهای جمع‌گرایانه در

عرصه‌ها و سطوح مختلف از جمله در میان اعضای خانواده در اثر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی است. همان‌طور که گیدنر نیز بدان اشاره داشت، دگرگونی اجتماعی، شبکه‌های زندگی از نشانه‌های مهم روابط در حال تغییر فردیت و اجتماع به شمار می‌روند. با تشدید فرآیند جهانی - شدن فردگرایی بر جمع‌گرایی فرونوی و تفوق می‌یابد.

بنابراین یکی از تأثیرات استفاده‌ی روزافرون از شبکه‌ها و رسانه‌های جمعی، بهویژه در بعد اجتماعی و شبک زندگی به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های گسترش فرهنگ‌های مختلف، عامل مهمی در تغییر نگرش‌های جمع‌گرایانه فردگرایانه است. امری که در بلندمدت، نظام‌های ارزشی و باورهای افراد را که هویت سنتی آن‌ها را تعریف می‌کند، از کارکرد خود ساقط و منسخ می‌کند (کوته، ۲۰۰۶؛ آبلا، ۲۰۰۵: ۳۵). فردگرایی عدم همنوایی با جمع را ارزش تلقی می- کند و بر شکوفایی فردی و بازاندیشی در سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی تأکید می‌ورزد.

لذا گسترش ارتباطات بین جوامع و گروه‌های مختلف از طریق فناوری‌های ارتباط از راه دور می- تواند سبب شکل‌گیری اجتماعاتی شود که عامل شکل‌گیری آن‌ها نه گردآمدن گروهی افراد در محدوده‌ی مرزهای جغرافیایی، بلکه اشتراک علایق و شباهت سلیقه یا حرفه است. همان‌گونه که گربنر در نظریه‌ی کاشت بدان اشاره کرد که اگر پیامی از رسانه‌ها به‌طور متوالی ارائه شود و بینندگان نیز در معرض آن پیام قرار گیرند، دنیای ذهنی آن‌ها متفاوت خواهد شد. از آن‌جاکه یافته- های پژوهش حاضر بیان‌گر این امر بود که رسانه‌ها از راه پیوندسازی موجب به وجود آمدن خرد- فرهنگ‌های جهانی می‌شوند که این موقعیت در نهایت به گوناگونی هرچه بیشتر فرهنگی بیانجامد، بدین شکل که رسانه‌ها مرزبندی‌های فرهنگی درون جوامع مختلف را درنوردیده و موجب تضعیف آن‌ها شده؛ به‌خصوص ارزش‌ها و باورهای خانوادگی است. بنابراین جوانان از میان گزینه‌های مختلفی که پیش رویشان است بر حسب امکاناتشان، دست به گزینش می‌زنند و این گسترش شبکه‌های زندگی جدید، هویت فرهنگی جوانان را کم‌رنگ‌تر کرده است، همان‌طور که گیدنر اشاره می‌کند که «خود» افراد در جوامع جدید کنونی به واسطه‌ی شبکه‌های گستردگی ارتباطی، نحیف، شکننده، ضربه‌دیده و ترک‌خورده است. به همان نسبت که دنیای اجتماعی انسجام و همبستگی خود را از دست می‌دهد و پراکنده می‌شود، «خود» نیز رو به ضعف و از هم‌پاشیدگی می‌نهد (گیدنر، ۱۳۹۸: ۲۳۹).

دگرگونی فزآینده و مداوم فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به خانواده‌ها و جوانان این امکان را داده است تا با دیگران به شیوه‌های متفاوت، ارتباط داشته باشند. این روابط مفاهیم جدیدی از

سبک‌های زندگی را پدید آورده است. پدیده‌هایی که محصول عصر حاضر است؛ همچون: فردگرایی، احساس نداشتن امنیت. لذا هریک از عوامل اجتماعی که بدان اشاره شد را می‌توان به عنوان متغیرهای اصلی و مستقل در نظر گرفت که بر هویت فرهنگی جوانان تأثیر متقابل دارند. به دلیل تأثیر مهمی که رسانه‌های جمعی بر رفتار و هویت جوانان داشته‌اند، نهادهای سیاسی و آموزشی، دینی، سیاست‌هایی به منظور کنترل اثرات مخرب این رسانه‌ها استراتژی‌های متفاوتی را اتخاذ نمایند. از آنجایی که ایجاد شرایط اطمینانبخش موجب معنادارشدن زندگی برای جوانان می‌شود، تأکید بر محیطی سازگار با سلامت جوانان، یکی از راههای ایجاد روحیه‌ی مسؤولیت-پذیری در میان آنان و دورکردن آن‌ها از رفتارهای مخرب است. با تأکید بر جنبه‌ها و معیارهای مثبت می‌توان خانواده‌ها، سازمان‌ها و سایر نهادهای اجتماعی را به منظور ارتقای سطح سلامت جسمانی و روحی جوانان توانمندسازی کرد.

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که «نقش هویت فرهنگی» در توسعه-ی پایدار اهمیت بسیار داشته و همین‌طور هرگونه دگرگونی و یا اتخاذ سیاست‌هایی، تأثیری مستقیم بر جوانان به عنوان سرمایه‌ی اجتماعی دارد؛ و لذا پیشنهاد می‌گردد جهت ایجاد روحیه‌ی مسؤولیت‌پذیری و دورکردن جوانان از رفتارهای مخرب، ایجاد شرایطی اطمینانبخش که موجب معنادارشدن زندگی برای آنان شود. گسترش دامنه‌ی نظامهای تعلیم و تربیت و تقویت ارتباطات متقابل و حمایت از خانواده، توسط رسانه‌های ملی که کمک می‌کند تا ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را درونی سازند و از سویی، حس مشارکت با دیگران، کاهش تنهایی، کاهش ترس و اضطراب، حاصل می‌شود.

و همان‌گونه که پروفسور هربرت شیلر بدان اشاره کرد: این فرآیند انتقال اجتماعی مبتنی بر تقویت روابط متقابل مثبت عاطفی، از خود رسانه‌های جمعی نیرومندتر است. می‌توان گفت که در صورت استقرار چنین پیوندهای محاکمی است که رسانه‌های گروهی نقشی مکمل خواهند یافت (وحدتی، ۱۳۹۵ : ۲۷۰).

منابع

۱. احمدزاده کرمانی، روح الله (۱۳۹۰) بازاندیشی در فرهنگ و رسانه، تهران: چاپار.
۲. استراوس، انسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۰) مبانی پژوهش کیفی، ترجمه‌ی ابراهیم افشار، تهران: نی.
۳. افرازیابی، محمدصادق (۱۳۹۲) مطالعات شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی جوانان، تهران: سیمای شرق.
۴. تامپسون، جان بروکشاير (۱۳۹۳) رسانه‌ها و مدرنیته: نظریه‌ی اجتماعی رسانه‌ها، ترجمه‌ی مسعود اوحدی، تهران: سروش.
۵. جنکینز، ریچارد (۱۳۹۶) هویت اجتماعی، ترجمه‌ی نازنین میرزا بیگی، تهران: آگاه.
۶. خواجه نوری، بیژن (۱۳۹۷) جامعه‌شناسی جوانان، تحولات زندگی جوانان در روند جهانی شدن، تهران: تیسا.
۷. ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۱) «آموزش شهروندی»، رشد آموزش علوم اجتماعی، سال ۴، شماره‌ی ۱: ۲۲-۲۹.
۸. زارع، زهره (۱۳۹۶) «پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت با توجه به خودانضباطی و سطوح آن»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۹. زلغولی فام، جعفر و داود ابراهیم پور (۱۳۸۷) «بررسی تأثیر صنعت فرهنگ بر هویت اجتماعی با تأکید بر شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای»، فصل‌نامه‌ی رسانه، شماره‌ی ۷۶: ۲۰۲-۲۰۲. ۱۷۵
۱۰. سفیری، خدیجه (۱۳۸۷) روش تحقیق کیفی، تهران: پیام.
۱۱. سورین، ورنر و جیمز تانکارد (۱۳۸۴) نظریه‌های ارتباطات، ترجمه‌ی علیرضا دهقان، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. سولیوان، تام؛ ساندرز، دانی؛ هارتلي، جان و جان فیسک (۱۳۸۵) مفاهیم کلیدی ارتباطات، ترجمه‌ی میرحسین رئیس‌زاده، تهران: فصل نو.

۱۳. عباسی قادی، مجتبی و مرتضی خلیلی کاشانی (۱۳۹۰) *تأثیر اینترنت بر هویت ملی، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.*
۱۴. عظیمی، عاطفه (۱۳۹۵) « شبکه‌های اجتماعی مجازی و هویت فرهنگی: مطالعه‌ای در میان دانشجویان دانشگاه گیلان»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.
۱۵. قنبری، رزیتا (۱۳۹۷) « بررسی تأثیر اعتیاد به اینترنت بر سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهرستان شاهروود»، رساله‌ی پزشکی عمومی، دانشکده‌ی علوم پزشکی شاهروود.
۱۶. قاسمی، یارمحمد؛ سپیدنامه، بهروز و اسحاق قیصریان (۱۳۹۳) « بررسی میزان انواع سه گانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی (مورد مطالعه؛ جوانان استان ایلام ۱۳۹۲)»، *فصل نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی فرهنگی*، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۳: ۹۰-۶۱.
۱۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نی.
۱۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸) *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
۱۹. لطیفى، معصومه؛ ریاحی نیا، نصرت؛ قائدی، یحیی و محمود بابائی (۱۴۰۰) « عوامل تأثیرگذار بر هویت فرهنگی دانشجویان ایرانی عضو شبکه‌های اجتماعی (مطالعه‌ی موردي: فیس بوک، تلگرام و اینستاگرام)»، *فصل نامه‌ی مطالعات رسانه‌های نوین*، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲۶: ۳۵۹-۳۹۴.
۲۰. محمدی، رضا (۱۳۹۶) « رابطه‌ی بین احساس تنها و هراس اجتماعی با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان همدان، مرکز پیام نور کبود آهنگ.
۲۱. ندیمی، عبدالوهاب (۱۳۹۵) « بازنمایی هویت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه در شبکه‌های اجتماعی دانشگاه کردستان»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۲۲. وحدتی، مهرداد (۱۳۹۵) *صنایع فرهنگی مانعی بر سر راه آینده فرهنگ*، تهران: نگاه معاصر.

- 245.....
23. Anthony Elliott (2011) «'I Want to Look Like That!' Cosmetic Surgery and Celebrity Culture», sage **Journal**, V5: 463-477.
24. Bryant S. & Denis D, (2000) **Mass Communication Theory**, California, Wadsworth Publication.
25. Chandler, D, (1995) **Cultivation Theory**, Retrieved November 22, 2006 from www.aber.ac.Uk/media/Documents/ short/ cultiv.html
26. Cote, J .E, (2006) «Acculturation and identity, the role of individualization theory», **Human Development**, 49 (1).
27. Morgan , M. & Signorily , N, (1990), **Cultivation Analysis , Conceptualization and Methodology** , London , Sage Publication , Corpus ID: 153258775
28. Nausicaa, Renner, (2019) **How Social Media Shapes Our Identity?** <https://www.newyorker.com/books/under-review>
29. Rui, Jian Raymond, and Hua Wang. (2015) «Social Network Sites and International Students' Cross-Cultural Adaptation». **Computers in Human Behavior**, (49), 400-411.
30. Wilson ,John, (2013) «A study of mass media and its relationship to cultural identity», sage **journals**, (63).
31. Wood, J, (2000) **Communication Theories in Action**, Boston, Wadsworth Publishing.
32. Yung, Jink Na, Kosinski, Michal, Stillwell, David J, (2014) «Collectivism - Individualism and Social Networks (Facebook)», **Journal of Cross-Cultural Psychology** , <https://doi.org/10.1177/0022022114563932>.